

# آینه پژوهش

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

سال سی و پنجم، شماره اول  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳  
ISSN: 1023-7992

۲۰۵

۲۰۵

دوماهنامه  
آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره اول  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

## Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.1 Apr - May 2024

A bi-monthly journal exclusively  
review & information dissemination

205

dedicated to book critique, book  
in the field of Islamic culture

- تحریر و تبدیل در نسخه‌های کهن | چاپ نوشت (۱۲) | نسخه‌شناسی  
مصاحف قرآنی (۱۹) | قم در آینه شعر شیخ عبدالرزاق مسئله‌گو: «خائف  
قمی» | نوشتگان (۶) | کیش غنوصی فاطمه در اسلام شیعی | سدید الدین  
اعور یا خیم؟ | چند جای نام دیگر شاهنامه | ادیان عربستان در دوران پایانی  
باستان | مرور انتقادی بر کتاب ولنتینا گراسو | درنگی بر چند واژه از آداب  
الحرب و الشجاعة (۱) | طومار (۴): اندیشه و نقد | آینه‌های شکسته (۲) |  
تعلیقاتی بر نزهة المجالس | جهانگشای خاقان، کتاب داستان نه منبع  
دست اول | عهد کتاب (۴) | **نکته، حاشیه، یادداشت**
- **دستنویسی کهن از مثنوی معنوی متعلق به کتابخانه علامه محمد قزوینی**  
● **اپوست آینه پژوهش | جهم بن صفوان (م ۱۲۸هـ) و تلاش نافرجام برای فهم توحید خالص**
- محمود عالی‌زاد | مجید حبیبی  
مرتضی کریمی | رسول جعفریان  
میرالایوب کمالی | الهامه توفیق | فرزاد  
شاهین حبیب‌آبادی | آرمین شمس‌آبادی  
احمد رضا قائم‌قلی | آیدین صوری | محمدعلی  
خواجه‌نورانی | حسین میرزاقاسمی  
حیدر عیوضی | سیدعلی میرزاقاسمی  
حسین شایخ | سید محمدحسین  
محمد جواد | سید محمدحسین جهم

پرتال  
دوماهنامه  
آینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

## آینه‌های شکسته (۲)

### نگاهی به ترجمه قدیم و ترجمه پیروز سیار از عهد عتیق در پرتو متن عبری

عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم | حیدر عیوضی

پست الکترونیک: heidareyvazi@yahoo.com

| ۳۶۵ - ۳۷۵ |

۳۶۵

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

چکیده: مقاله پیش رو در واقع ادامه یادداشت‌های پیشین با همین عنوان می‌باشد؛ البته در این شماره شواهد مورد مطالعه عمدتاً با محوریت ترجمه جناب پیروز سیار تدوین شده و در چهار محور ارائه می‌گردد که عبارت‌اند از: ۱. اهمیت باورقی‌ها؛ ۲. جای خالی تفاسیر یهودی در انبوه باورقی‌ها؛ ۳. به‌گزینی در ترجمه؛ ۴. برخی ملاحظات. به این ترتیب محور دوم برای اولین بار در اینجا مطرح می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ترجمه‌های فارسی تورات، ترجمه قدیم، ویلیام گلن، ترجمه پیروز سیار.

**Broken Mirrors (2): A Look at the Ancient Translation and the Pirouz Sayyar's Translation of the Old Testament in the Light of the Hebrew Text**

Heidar Eyvazi

**Abstract:** The present article is, in fact, a continuation of previous notes with the same title; however, in this issue, the evidence is mainly studied focusing on the translation of Mr. Pirouz Sayyar and is presented in four axes, which are: 1. The importance of footnotes; 2. The gap of Jewish interpretations in the abundance of footnotes; 3. Selecting the best choice in translation; 4. Some considerations. Thus, the second axis is introduced here for the first time.

**Keywords:** Persian Translations of the Old Testament, Old Translation, William Glen, Pirouz Sayyar's Translation.

## درآمد

مقاله حاضر به عنوان شماره دوم<sup>۱</sup> در واقع ادامه مجموعه یادداشت‌های نگارنده این سطور در مراجعه به ترجمه‌های فارسی بایبل در ضمن کلان پروژه «بررسی و نقد روابط بینامتنی قرآن و متون پیشین با تکیه بر متون عبری و سریانی» است که جلد نخست آن ذیل عنوان فرهنگ تطبیقی تورات و قرآن: واژگان مشترک عبری-عربی (أ- ز/ ۴-۲)، در پاییز ۱۴۰۲ منتشر شد. معرفی و بررسی ترجمه‌های عبری قرآن نیز در سال‌های اخیر در واقع از دستاوردهای این پروژه بوده است.<sup>۲</sup>

بخش درآمد این مجموعه مقالات به دشواری زبان تورات (عبری کلاسیک) اختصاص دارد، پیشتر نکاتی بیان و منابعی معرفی گردید. در ادامه به یک موضوع مهم بسنده می‌کنیم.

یکی از صنایع پرکاربرد ادبی در متن تورات استفاده از افعال مترداف است. باید توجه داشت که این افعال عموماً دارای ظرایف معنایی‌اند، و نمی‌توان آنها را تماماً تکرار تلقی کرد، یا کارکرد صرفاً تأکیدی قائل شد و احیاناً در ترجمه، آنها را جدی نگرفت. اما در ترجمه‌ها به طور عموم، این موضوع چه با حذف یک فعل و چه با اکتفا به معنای پایه‌ای آنها نادیده گرفته می‌شود، و ظرائف معنایی به ویژه هنگام صرف افعال در باب‌های مختلف، آن‌طور که باید منعکس نمی‌گردد. البته در مواردی رگه‌هایی از تلاش برای انعکاس تفاوت‌ها و لحن مستتر در آیه دیده می‌شود؛

۳۶۶

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. مشخصات نشر شماره نخست: «آینه‌های شکسته: نگاهی به ترجمه قدیم و ترجمه پیروز سیار از عهد عتیق در پرتو متن عبری»، آینه پژوهش، ش. ۱۹۸، سال سی و سوم، ش. ۶، بهمن و اسفند ۱۴۰۱، ص ۲۱۵-۲۳۲.

۲. به ترتیب تاریخی نک.

حیدر عیوضی، مصطفی رزاقی، محمد علی طباطبایی، «سوره نمل: مقایسه ترجمه‌های عبری یوزف ریولین و اوری روبین»، آینه پژوهش، ش. ۱۷۵، ۱۳۹۸؛

حیدر عیوضی، «معرفی ترجمه عبری قرآن از اسعد نمر بصول»، ترجمان وحی، ش. ۴۶، ۱۳۹۸.

\_\_\_\_\_، «بررسی ترجمه عبری قرآن از اسعد نمر بصول»، ترجمان وحی، ش. ۴۷، ۱۳۹۹.

\_\_\_\_\_، «ترجمه‌های عبری قرآن به مثابه تفاسیر یهودی ناشناخته: بررسی نسخه بازنویسی اوری روبین»، آینه پژوهش، ش. ۱۹۱، ۱۴۰۰.

بر این پایه، انتخاب عنوان آینه‌های شکسته برای این مجموعه یادداشت‌ها در واقع تأکید بر این مسأله بوده که اگر در رابطه با متون کلاسیک از ترجمه‌ها استفاده می‌کنیم، نمی‌توان بر یک ترجمه بسنده کرد، بلکه ملاحظه و مقایسه چندین اثر در کنار هم یک ضرورت است.

### یک مثال، تثنیه ۱:۴۱

این آیه با دو فعل مترادف آغاز می‌شود  $\text{וַיַּעֲנֵן אֲנִי לְיְהוָה} / \text{watta'ānu wattōmru}$ ؛ که تحت اللفظی به این مضمون است «جواب دادید و (به من) گفتید». همانطور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود، به جز ترجمهٔ مژده و دری که فعل نخست را نادیده گرفته‌اند، ترجمه‌های قدیم، هزارهٔ نو و سیار آنها را در ترکیب «پاسخ گفتن» گنجانده‌اند. همینطور لوتر و ASV از دو مترادف «پاسخ داده و گفتید» استفاده کرده‌اند.

۳۶۷

آینهٔ پژوهش | ۲۵۵  
سال ۳۵ | شماره ۱  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. قدیم	و شما در جواب من گفتید ...
۲. هزارهٔ نو	آنگاه در پاسخ من گفتید ...
۳. مژده، دری	آنگاه شما گفتید ...
۴. سیار	آنگاه مرا پاسخ گفتید ...
۵. ASV	Then ye <u>answered</u> and said unto me ...
۶. Lutherbibel	Da <u>antwortetet</u> ihr und sprach zu mir ...

اما در ترجمهٔ تفسیری با توجه به ادامه متن، یعنی عبارت گفتار (مقول قول)، تلاش قابل توجهی دیده می‌شود:

۷. تفسیری	آنگاه قوم اسرائیل <u>اعتراف</u> نموده، به من گفتند ...
-----------	--

می‌توان گفت، با توجه به عبارت گفتار ایشان که به روشنی متضمن یک لحن اعترافی و در ادامه حماسی می‌باشد «... به خداوند گناه ورزیده‌ایم؛ پس رفته، جنگ خواهیم کرد، موافق هرآنچه یهوه خدای ما به ما امر فرموده است»، از یک سو و حوزهٔ معنایی

ریشهٔ 'ānāh / ʾnāh در عبری که به «با صدای بلند جواب دادن، به خروش آمدن» نیز دلالت دارد،<sup>۱</sup> پیشنهاد ذیل مناسب‌تر می‌نماید:

۸. ترجمهٔ پیشنهادی و شما به خروش آمده، به من گفتید ...

\*\*\*

اما محورهای چهارگانه این شماره: ۱. اهمیت پاورقی‌ها؛ ۲. جای خالی تفاسیر یهودی در میان انبوه پاورقی‌ها؛ ۳. به‌گزینی در ترجمه؛ ۴. برخی ملاحظات. لازم است تأکید کنم که محورهای مذکور، تنها به جهت سامان دادن به یادداشت‌های پراکنده نگارنده این سطور بوده است. و با مطالعهٔ عمیق‌تر و توسعهٔ منابع پژوهشی، به طور قطع می‌توان در آینده عناوین دقیق و جامع‌تری تعریف کرد.

## اهمیت پاورقی‌ها

در مقالهٔ پیشین، امتیازهای ترجمهٔ سیار را در سه محور (۱) انعکاس منظوم بودن متن مبدأ، (۲) به‌گزینی در ترجمه، (۳) انبوه پاورقی‌های کاربردی، بررسی کردیم. در این میان، در رابطه با محور اخیر، باید توجه داشت که در عمدهٔ موارد مطالعهٔ این پاورقی‌ها در ارائهٔ تصویری واضح به مخاطب بسیار مغتنم می‌باشند. در اینجا یک مورد را بررسی می‌کنیم.

### ایوب ۱:۵

#### ترجمهٔ قدیم

و واقع می‌شد که چون دوره روزهای مهمانی ایشان بسر می‌رفت، ایوب فرستاده، ایشان را تقدیس می‌نمود و بامدادان برخاسته، قربانی‌های سوختنی، به شماره همه ایشان می‌گذرانید، زیرا ایوب می‌گفت: «شاید پسران من گناه کرده، خدا را در دل خود ترک نموده باشند» و ایوب همیشه چنین می‌کرد.

#### ترجمهٔ سیار

باری، چون دورهٔ این جشنها به پایان می‌رسید، ایوب آنان را می‌آورد\* تا تطهیرشان کند و فردای آن روز، سپیده‌دمان، بهر هر کدام از ایشان قربانی سوختنی تقدیم می‌کرد. چه با خود می‌گفت: «شاید پسران من گناه کرده و در دل خویش خدای را نفرین کرده باشند (۵)!»\*\*  
ایوب هر بار چنین می‌کرد.

۱. حییم، فرهنگ عبری-فارسی، ص ۳۹۹.

آیه فوق یکی از کارهای متداول ایوب را گزارش می‌کند که وی به عنوان پدری مشفق و دلسوز، بعد از پایان جشنها همه فرزندان را فراخوانده، آداب تقدیس (اعداد ۱۱: ۱۸) را خودش بر روی آنها اجرا می‌کرده، و سپیده دم نیز از طرف هر کدام (اعم از دختر و پسر) یک قربانی سوختنی تقدیم می‌کرد. همه اینها بدان جهت بود که ایوب با خود می‌اندیشید مبادا فرزندانم گناهی کرده یا سخن کفرآمیزی بر زبان رانده باشند؛ او با این رفتار در صدد رفع بلا از فرزندان خود بوده است. ترجمه سیار در این آیه نسبت به بسیاری از ترجمه‌ها دو امتیاز دارد:

۱. عبارت «آنان را می‌آورد» در ترجمه سیار و «فرستاده» در ترجمه قدیم، در واقع برگردان فعل عبری *yīšlah / יִשְׁלַח* می‌باشد. هرچند معنای پایه‌ای ریشه *šālah / שָׁלַח* «فرستادن، ارسال کردن» می‌باشد، اما در تورات با توسعه معنایی و قرائن لفظی برای «فراخواندن، احضار کردن، طلبیدن» نیز استفاده شده؛ بر این پایه، گزنیوس یکی از معانی آن را «فرستادن و آوردن» ذکر می‌کند و شواهدی ارائه می‌دهد.<sup>۱</sup> جالب آنکه، همین ترجمه قدیم در یکی از موارد (۲ سموئیل ۱۵: ۱۲)، در ترجمه فعل مورد بحث از مشتقات «طلبیدن» استفاده کرده است. باری، در آیه مذکور، ترجمه سیار به صورت «ایوب آنان را می‌آورد» استوارتر می‌باشد؛ و تعابیر دیگری چون «ایوب آنان را [فرا می‌خواند تا ...]» یا «... به حضور طلبید» را نیز می‌توان به عنوان جایگزین‌های دیگر پیشنهاد داد.

۲. اما آنچه که با تیترا این محور مرتبط است، متن پاورقی شماره ۵، در بخش پایانی آیه، در این ترجمه می‌باشد که عین عبارت چنین است: «در عبری آمده است: «متبارک خوانده باشند». در ۱: ۱۱ و ۲: ۵، ۹ نیز به همین صورت است. فعل اصلی، یعنی «نفرین کردن» یا «کفر گفتن» بدین سان جایگزین شده است تا از وجود لفظی موهن در کنار نام خدا جلوگیری شود».

این پاورقی به همین مقدار به یک موضوع جالب در زبان تورات اشاره دارد و برای علاقمندان و کنجکاوی بیشتر، سرنخ خوبی برای شناخت بهتر متن مبدأ خواهد بود.

1. Gesenius, 826.

برای تبیین بهتر موضوع، می‌توان چند جمله افزود: در نسخهٔ عبری این آیه و آیات متناظر با آن (۱۱:۱ و ۲:۵، ۹) در عبارت قول ایوب فعل *יָבַרַק* / *bēraqu* «متبارک خوانده باشند» آمده است، که در ظاهر با عبارت قبلی «شاید پسران من گناه کرده» سازگار نیست. این بدان جهت است که، فعل اصلی در متن مبدأ بر «کفر گفتن، نفرین کردن» دلالت داشته، اما از آنجایی که هم‌نشینی آن با نام خداوند (الوهیم) در آیه موجه نبوده، در متن عبری از فعل متضاد آن «متبارک خواندن» استفاده شده است. و عالمان تورات، سینه به سینه این صنعت زبانی نهفته در متن را به شاگردان منتقل می‌کردند. در پاورقی نسخهٔ عبری اشتورتنگارت (BHS) اشاره می‌کند که فعل عبری در حالت اصلی از مشتقات ریشهٔ *קָלַל* / *qll* به صورت *קָלַלְוּ* / *weqillu* «و کفر گفته باشند» بوده است.<sup>۱</sup> مترجمان نیز با توجه به اصل ماجرا، هماره در برگردان فعل جایگزین شده یعنی «متبارک خوانده باشند»، به جهت تناسب با عبارت قبلی، برعکس ترجمه می‌کنند؛ چنانچه در ترجمهٔ قدیم به صورت «[خدا را] ترک نموده باشند» ملاحظه شد.

اما به رغم اهمیت و نقش این پاورقی‌ها، این بخش از موضوعات پردامنه بوده و از نگره‌های مختلف بن‌مایهٔ نقد و بررسی دارد؛ از جمله اینکه در محتوای این پاورقی‌ها، مشخصاً در بخش عهد عتیق به چه میزان از منابع یهودی اعم از تلمود و میدراش‌های معتبر استفاده شده است؟ آیا سایه الهیات مسیحی را دست کم در بخشی از پاورقی‌ها می‌توان دید؟ این قبیل سؤالات را می‌توان به عنوان بایسته‌های پژوهشی به جامعهٔ علمی معرفی کرد.

## جای خالی تفاسیر یهودی در انبوه پاورقی‌ها

### پیدایش ۲۱:۷

این آیه از بخش‌های دشوار تورات می‌باشد که نثر شاعرانه<sup>۲</sup> دارد؛ بخشی از سخنان وجدآور ساره پس از تولد اسحاق است. به لحاظ محتوایی، این قطعه مضمون

1. BHS: Biblia Hebraica Stuttgartensia, p. 1227.

2. poetic prose.

فخرروشی و شعف‌آمیز دارد، اما در عموم ترجمه‌ها، از جمله دو اثر ذیل متن ارائه شده، مشخصاً در عبارت میانی (II) نارسا است:

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
و گفت: (I) «که بود که به ابراهیم بگوید، (II) ساره اولاد را شیر خواهد داد؟»	نیز گفت: (I) «چه کس ابراهیم را می‌گفت (II) که ساره کودکان را شیر خواهد داد! چون در سالخوردگی او پسری آوردم.»

فعل پایانی در عبارت (I) و (II) در عبری صورت ماضی است؛ مشخصاً در عبارت دوم، یعنی «شیر خواهد داد» ترجمه آن به صورت آینده، به طور کامل ناستوار می‌باشد. فعل  $h\bar{e}niq\bar{a}h / \text{הניקה}$ ، ماضی مفرد مؤنث در باب Hiphil به معنای «شیر داد» است. از آنجایی که ساره تنها صاحب یک فرزند، اسحاق بود، صورت جمع واژه اولاد/کودکان ( $\bar{a}b\bar{n}im / \text{אבנים}$ ) به پیچیده بودن متن می‌افزاید، و محتملاً همین موضوع موجب گمراهی مترجمان در ترجمه فعل به آینده شده است!

مطالبی در تفاسیر معتبر می‌توان یافت که از یک سو علت جمع بودن اسم مذکور را تبیین می‌کند، و در پرتو آن ترجمه فعل مورد بحث در (II) به صورت گذشته را کاملاً موجه و استوار می‌نماید. عبارت ربی شلمو یتصحاق (رشی) چنین است: «زنان کنعان می‌گفتند ساره فرزندی به دنیا نیاورده، بلکه یک کودک سرراهی را به فرزندی گرفته است. در یک روز عید، زنان بزرگان منطقه فرزندان شیرخوار خود را به همراه آوردند، تا ساره را بیازمایند، که آیا خود می‌تواند شیر دهد یا نه! آنگاه ساره فرزندان ایشان را شیر داد.»<sup>۱</sup> بر این پایه، ترجمه عبارت میانی آیه چنین خواهد بود:

«و گفت: کیست که به ابراهیم می‌گفت،  
ساره کودکان [دیگران] را شیر داد!  
زیرا که پسری برای وی در پیری اش زاییدم.»

1. Rabbi Shlomo Yitzchaki (Rashi, 1040-1105), *Commentary on the Tanakh*,

نک. نسخه آنالاین این اثر در:

[https://www.sefaria.org/Rashi\\_on\\_Genesis.21.7.1?lang=bi](https://www.sefaria.org/Rashi_on_Genesis.21.7.1?lang=bi)



باری، در مورد تورات با یک زبان کاملاً آرکائیک مواجهیم. مترجم در چنین مواردی ناگزیر از منابع تفسیری می‌باشد، و بسنده کردن به ترجمه تحت اللفظی موجب گنگی در متن مقصد می‌شود.

### به‌گزینی در ترجمه

تثنیه ۲۸: ۵۴

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
مردی که در میان شما نرم و بسیار متنعم است، چشمش بر برادر خود و زن هم‌آغوش خویش و بقیه فرزندانش که باقی می‌مانند بد خواهد بود.	لطیف‌ترین و نازپروردترین خویشانت، نگاههای بدخواهانه بر برادر خویش و حتی بر زنی که در آغوش می‌گیرد و فرزندی که از برایش باقی مانده است، خواهد افکند.

واژه rak / 777 «نرم، ملایم، نازک» در ابتدای آیه فوق به عنوان صفت آدمی به کار رفته، و معادل‌هایی چون «نازک طبع» یا «لطیف‌ترین» همانطور که در ترجمه سیار آمده مناسب‌تر می‌نماید.

تثنیه ۳۳: ۱۲

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
حبیب خداوند نزد وی ایمن ساکن می‌شود. تمامی روز او را مستور می‌سازد ...	محبوب یهوه، نزد او در ایمنی بیاساید، و خداوند متعال هر روز از او حمایت کند ...

صورت فعلی ḥōfēf / 777 از واژگان تکامل است که تنها در آیه فوق، در سرود موسی و برکت دادن به سبط بنیامین آمده است. ریشه ḥff در آرامی، سریانی، عبری و عربی از ریشه‌های مشترک محسوب می‌شود و بر حوزه معنایی «احاطه کردن، محاصره کردن؛ پوشاندن» دلالت دارد،<sup>۱</sup> اما با توجه به بافت آیه معنای «حمایت کردن» مناسب‌تر می‌نماید، چنانکه در دیگر ترجمه‌های فنی نیز منعکس یافته، از جمله در ترجمه لوتر:

۱. عیوضی، فرهنگ تطبیقی قرآن و تورات، ج. ۱، ص ۳۱۳.

”allezeit wird Er die Hand über ihm halten“. باری، در ترجمه قدیم به نوعی سایه ترجمه‌های عربی نیز دیده می‌شود.

## برخی ملاحظات

### پیدایش ۲۲: ۱۴

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
و ابراهیم آن موضع را «یهوه یری» نامید، چنانکه تا امروز گفته می‌شود: «در کوه، یهوه دیده خواهد شد.»	ابراهیم این مکان را «یهوه مهیا سازد» نام نهاد، بدان سان که امروزه گویند: «بر کوه، یهوه پدیدار گردد.»

ترکیب  $Jehovah-jireh / \text{יהוה ירי}$  در ابتدای آیه اسم مکان است، و در ترجمه نمی‌توان نام اعلام را ترجمه کرد. به این جهت، در ترجمه قدیم از واژه مشترک سامی، صورت عربی آن «یری: دیدن» استفاده شده تا از یک سو تلمیحی بر معنای فعلی آن باشد و از سویی موتیف و بن‌مایه متن مبدأ را حفظ کند. به همین ترتیب در ترجمه ASV نیز به صورت  $Jehovah-jireh$  آمده است. در فارسی چنین پیشنهاد می‌شود: «و ابراهیم آن موضع را «یهوه ییرئه» نامید...».

### خروج ۵: ۶

ترجمه قدیم	ترجمه سیار
و در آن روز، فرعون سرکاران و ناظران قوم خود را قدغن فرموده، گفت ...	همان روز، فرعون به ناظران قوم و کاتبان این فرمان را بداد ..

محل بحث در آیه فوق، ترجمه واژه  $\text{šōṭēr} / \text{שׁוֹטֵר}$ ، که البته شکل جمع آن به صورت  $\text{šōṭrim} / \text{שׁוֹטְרִים}$  می‌باشد. هرچند ریشه  $\text{štr}$  در اکدی، نیز زبان‌های سامی به معنای «نوشتن، کتابت کردن» می‌باشد، اما ترجمه صورت اسمی از این ریشه یعنی  $\text{šōṭēr} / \text{שׁוֹטֵר}$  به «کاتب» در تورات عبری ناستوار است؛ چه اینکه واژه متداول در سراسر تورات برای «کاتب» کلمه  $\text{sōfēr} / \text{סוֹפֵר}$  و صورت جمع آن  $\text{sōfrim} / \text{סוֹפְרִים}$  «مستنسخ‌های متن تورات» می‌باشد؛ واژه مورد بحث عنوان یک مقام و منصب

رسمی بوده که عمده فعالیت آنها ارزیابی اسناد مکتوب در دربار بوده است.<sup>۱</sup> به این ترتیب، معادل «ناظر، ارزیاب» در ترجمه قدیم درست‌تر می‌نماید. در ترجمه قدیم در آیات دیگر از معادل‌های دیگر چون «سروران» (اعداد ۱۱: ۱۶؛ تثنیه ۲۹: ۱۰، ۳۱: ۲۸)، «رؤسا» (یوشع ۸: ۳۳) استفاده شده که همچنان در مقایسه با «کاتب» مناسب‌تر می‌نماید.

ادامه دارد

۳۷۴

آینه پژوهش | ۲۰۵  
سال ۳۵ | شماره ۱  
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

## منابع

- کتاب مقدس، ترجمه قدیم، لندن: انتشارات ایلام، چاپ سوم ۲۰۰۲ م.
- عهد عتیق، کتاب‌های شریعت یا تورات (جلد اول)، ترجمه پیروز سیار، هرمس، ۱۳۹۴ ش.
- عهد عتیق، کتاب‌های تاریخ (جلد دوم)، ترجمه پیروز سیار، تهران: هرمس، نی، ۱۳۹۶ ش.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- حییم، سلیمان، فرهنگ عبری-فارسی، تهران: انجمن کلیمیان، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.
- عیوضی، حیدر، فرهنگ تطبیقی قرآن و تورات: ریشه‌های فعلی و واژه‌های مشترک عربی-عبری (جلد اول) ا- ز/ ۸- ۶، قم: دارالحديث، ۱۴۰۲.
- BDB*: Francis Brown, S. R. Driver, Charles A. Briggs, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, 1996.
- BHS*: *Biblia Hebraica Stuttgartensia*, Deutsche Bibelgesellschaft, 1997.
- DMWA*: Hans Wehr, *A Dictionary of Modern Written Arabic*, J. Milton Cowan (Ed.), Librairie Du Liban Beirut & Macdonald and Evans Ltd. London, Third Printing, 1974.
- Gesenius*: Friedrich Wilhelm Gesenius, *Gesenius' Hebrew and Chaldee lexicon to the Old Testament Scriptures*, 1979.
- KBL*: Ludwig Koehler, Water Baumgartner, *Lexicon in Veteris Testamenti Libros*, Leiden, 1953<sup>1</sup>, 1967- 96<sup>3</sup>.
- Rashi*, Rabbi Shlomo Yitzchaki, *Commentary on the Tanakh*, A. J. Rosenberg (Tr.), Judaica Press, 2001.
- TDOT*: G. Johannes Botterweck, Helmer Ringgren, Hein-Josef Fabrey, Holger Gzella, *Theological Dictionary of Old Testament*, William B. Eerdmans Publishing, Michigan, 1997-2018.
- TWOT*: R. Laird Harris, Gleason L. Archer Jr., Bruce K. Waltke, Chicago, *Theological Wordbook of the Old Testament*, The Moody Bible Institute, 1980.